

ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران

پویا علاءالدینی *

آزاده جلالی موسوی **

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۲۴

چکیده

در پی موفقیت برنامه‌های تأمین مالی خرد در سطح جهان، طرح‌هایی در این زمینه در ایران اجرا شده است. این برنامه‌ها به‌عنوان راهی برای کاهش فقر و ارتقای معیشت شناخته می‌شوند و پیوسته در حال گسترش هستند. توجه به برنامه‌های تأمین مالی خرد و اجرای آنها، ارزیابی اثربخشی‌شان را ضروری می‌سازد. ارزیابی اثربخشی این برنامه‌ها، نه تنها امکان اصلاح رویه‌ها و بهبود عملکرد برنامه‌ها را فراهم می‌کند، بلکه در طراحی برنامه‌های آتی نیز نقش مهمی دارد. در این پژوهش، با مطالعه موردی دو برنامه تأمین مالی خرد، یعنی «صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی» و «برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا» تلاش شده است تا آثار این برنامه‌ها بر شرکت‌کنندگان، به‌ویژه بر سه جنبه از زندگی آنان، یعنی ابعاد مادی فقر، آسیب‌پذیری و توانمندسازی زنان ارزیابی شود. در مطالعه حاضر، از روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است. در بخش کمی از شرکت‌کنندگان جدیدتر برنامه‌ها به‌عنوان گروه شاهد استفاده شده و یافته‌های بخش کیفی نیز به‌منظور تقویت نتایج کمی به کار گرفته شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که تغییری در شاخص‌های درآمد، دارایی، و هزینه خوراک و پوشاک خانوارهای شرکت‌کننده در هر دو برنامه ایجاد نشده، اما شاخص تنوع منابع درآمدی خانوار بهبود یافته است. همچنین، برنامه‌ها فقط زمانی به توانمندسازی زنان منجر شده‌اند که شرکت‌کنندگان زن، خود بر نحوه مصرف وام کنترل داشتند. البته در برخی موارد، برنامه‌ها موجب آسیب‌پذیری بیشتر خانوارها شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌پذیری، ارزیابی اثربخشی، تأمین مالی خرد، توانمندسازی، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا.

* استادیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. Palaedini@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

مقدمه

فقرزدایی، کاهش آسیب‌پذیری و توانمندسازی زنان از مهمترین آثار عرضه خدمات مالی به اقشار آسیب‌پذیر، به‌ویژه زنان فقیر شناخته می‌شوند. به لحاظ نظری، این خدمات سرمایه‌گذاری گروه‌های هدف را در کسب‌وکارهای خرد میسر می‌سازند، امکان افزایش سرمایه‌های انسانی و ارتقای قابلیت‌های جماعت‌ها را فراهم می‌کنند، موجب افزایش هزینه‌های رفاهی خانوارها می‌شوند، و توانایی اقشار آسیب‌پذیر را در مقابله با صدمات اقتصادی حاصل از تکانه‌ها بهبود می‌بخشند. از این‌رو، طراحی سازوکارهایی به‌منظور عرضه خدمات مالی به فقرا و اقشار آسیب‌پذیر، در کانون توجه بسیاری از برنامه‌های کاهش فقر قرار دارد. تأمین مالی خرد^۱، یکی از موفق‌ترین سازوکارها در این زمینه قلمداد می‌شود و در سال‌های اخیر، جایگاه ویژه‌ای در میان برنامه‌های کاهش فقر و بهبود معیشت در بسیاری از کشورها یافته است.

به‌عنوان بازتابی از روندهای جهانی، برنامه‌های تأمین مالی خرد در ایران نیز به شکل روزافزون مورد توجه قرار گرفته است. اما در صورتی که این برنامه‌ها بدون شناخت و به‌طور انبوه اجرا شوند، شکست آنها و از میان رفتن فرصت‌های بهبود معیشت محتمل خواهد بود. ارزیابی برنامه‌های مذکور، قبل از گسترش بیشترشان می‌تواند برای شناسایی مسائل، بهبود عملکردها و حل مشکلات راهگشا باشد. به‌ویژه، بررسی میزان تحقق اهداف برنامه‌ها، شناسایی نتایج پیش‌بینی نشده تمهیدات، و تحلیل فرایندهای مداخلات، امکان اصلاح رویه‌ها در برنامه‌های فعلی و تدوین بهتر برنامه‌های آتی را فراهم می‌کند.

اندیشه بکارگیری برنامه‌های تأمین مالی خرد، به دو شکل وارد ایران شد. نخست، در دهه ۱۳۷۰، دستگاه‌های دولتی به‌ویژه جهاد کشاورزی و بانک کشاورزی برای اجرای این برنامه‌ها، فعالیت‌هایی انجام دادند. برنامه‌هایی که سازمان‌های یادشده طراحی کردند، بیشتر بر اعتبارات خرد متمرکز بودند. از آنجا که حوزه فعالیت این نهادها عمدتاً روستاها بوده و هست، در این برنامه‌ها بر روستاییان به‌عنوان گروه هدف تأکید شده است. همچنین، زنان، گروه هدف بیشتر برنامه‌هایی از این قبیل را تشکیل داده‌اند.

ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد ...

از اوایل دهه ۱۳۸۰، دومین موج برنامه‌های تأمین مالی خرد در ایران به راه افتاد. برنامه‌های اخیر با مشارکت سازمان‌های غیردولتی و دولتی و گاهی نیز با همکاری سازمان‌های توسعه‌ای بین‌المللی اجرا شده‌اند. نقاط آسیب‌خیز شهری، مناطق اسکان غیررسمی و فقرای شهری در کانون توجه این برنامه‌ها قرار داشته‌اند. البته در سال‌های اخیر، برنامه‌های روستایی نیز طراحی و اجرا شده‌اند. به‌ویژه، بانک کشاورزی که خدمات روستایی را در اولویت کاری خود قرار داده است، همواره در عرضه خدمات مالی خرد پیشرو است. در موج جدید برنامه‌های تأمین مالی خرد، مردان نیز به‌عنوان مشتری پذیرفته می‌شوند. همچنین، در طراحی برنامه‌های این دوره، مفهوم تأمین مالی خرد و سازوکارهای آن به جای اعتبارات خرد به کار می‌رود.

از میان برنامه‌های دوره اول، که دولت آن را حمایت مالی و اجرا کرده است، می‌توان از صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی نام برد که از سال ۱۳۷۹ تاکنون در دستور کار دفتر زنان روستایی و عشایر وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفته است. طرح پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا که با همکاری بانک کشاورزی، موسسه غیردولتی تاک، چند سازمان غیردولتی محلی، و صندوق توسعه کشاورزی ملل متحد (ایفاد) از سال ۱۳۸۱ در چهار استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، و کردستان به طور آزمایشی اجرا شد نیز طرح مهمی در دور دوم برنامه‌های تأمین مالی خرد است. در مقاله حاضر، دو برنامه تأمین مالی خرد مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چارچوب مفهومی

با وجود استقبال روزافزون از تأمین مالی خرد، اختلاف‌نظرهایی درباره اثربخشی این نوع برنامه‌ها وجود دارد. بر اساس یافته‌های تعداد زیادی از مطالعاتی که اثربخشی برنامه‌های تأمین مالی خرد را در کشورهای درحال توسعه مورد بررسی قرار داده‌اند، بهبود معیشت خانوارهای شرکت‌کننده در برنامه‌های یادشده به صورت افزایش درآمد، دارایی و مصرف (هولم و موسلی^۱، ۱۹۹۶؛ دان^۲، ۱۹۹۹؛ خاندکر^۳، ۱۹۹۸؛ رمنی و کویننز^۴، ۲۰۰۰؛ پیت^۵ و خاندکر، ۱۹۹۶) و کاهش آسیب‌پذیری خانوارها و

1 Hulme and Mosley

2 Dunn

3 Khandker

4 Remenyi and Quinones

5 Pitt

بهبود وضعیت زنان و کودکان در کنار توانمندسازی زنان (دان، ۱۹۹۷؛ پیت و سایرین، ۲۰۰۳؛ بارنز و کوگ^۱، ۱۹۹۹؛ زمان^۲، ۲۰۰۰) از آثار مثبت اجرای برنامه‌های تأمین مالی خرد بوده است. در عین حال، برخی مطالعات اثربخشی برنامه‌ها را در افزایش درآمد، مصرف و دارایی خانوارهای مشتری رد کرده‌اند (مورداک^۳، ۱۹۹۸؛ پارک و رن^۴، ۲۰۰۱). حتی برخی از مطالعات، مواردی از آثار منفی برنامه‌ها بر خانوارهای مشتری را نشان داده‌اند. به‌طور مثال، مایو^۵ (۱۹۹۹) افزایش ساعات کار زنان و کاهش تحصیل در میان دختران را از نتایج شرکت در برنامه‌ها دانسته است. مطالعه کلمن^۶ (۲۰۰۶) درباره دو برنامه تأمین مالی خرد در تایلند، بدتر شدن وضعیت مشتریان مرد از منظر شاخص‌های درآمد، دارایی، پس‌انداز، بدهی و ساعات کار را نشان داده است. برخی از مطالعات نیز افزایش خشونت علیه زنان را از جمله آثار برنامه‌های تأمین مالی خرد دانسته‌اند (گوتز و سن گوپتا^۷، ۱۹۹۴؛ رحمان^۸، ۱۹۹۹).

نتایج متفاوت ارزیابی‌ها ممکن است ریشه در روش‌شناسی، مفهوم‌سازی یا نحوه سنجش آنها داشته باشند. برای مثال، پیت^۹ و خاندکر^{۱۰} (۱۹۹۶) با بررسی ۱۸۰۰ خانوار بنگلادشی نشان داده‌اند که شرکت در برنامه‌ها، موجب افزایش مصرف خانوارها شده است. اما مورداک (۱۹۹۸) با استفاده از همان داده‌ها نتیجه گرفت که برنامه‌ها بر افزایش مصرف خانوارهای شرکت‌کننده تأثیری نداشته است. وی اختلاف نتایج ارزیابی خود و مطالعه پیت و خاندکر را نتیجه تفاوت‌های روش‌شناختی دانسته است.

صرف‌نظر از مسائل روش‌شناختی، شرایط محیطی حاکم بر اجرای برنامه تأمین مالی خرد، بر میزان اثربخشی آن تأثیر می‌گذارد. از مهمترین دلایلی که می‌تواند موجب موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های تأمین مالی خرد در کاهش فقر شود، ماهیت فقر در یک منطقه است. مثلاً، اگر فقر محصول بهره‌وری و تولید کم باشد، تأمین مالی خرد کارساز نخواهد بود، بلکه افزایش بهره‌وری از طریق آموزش و سرمایه‌گذاری، موجب کاهش فقر می‌شود. سیاست‌گذاری‌های دولتی نیز نقش تأثیرگذاری

1 Barens and Keogh
2 Zaman
3 Morduch
4 Park and Ren
5 Mayoux
6 Coleman
7 Geotz and SenGupta
8 Rahman
9 Pitt
10 Khandker

ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد ...

در اثربخشی برنامه‌های تأمین مالی خرد دارند. برای مثال، تعیین سقف نرخ بهره، گسترش و پایداری این برنامه‌ها را با مشکل روبه‌رو می‌کند.

بسیاری از اختلاف‌نظرها نیز ناشی از ماهیت برنامه‌های تأمین مالی خرد است. مهمترین سازوکار در این برنامه‌ها، اعطای وام‌های خرد به اقشار آسیب‌پذیر است. اما همان طور که اعتبار سازنده است، می‌تواند به تخریب نیز منجر شود. زیرا برای وام‌گیرنده، اعتبار به معنای بدهی است و اگر دریافت وام به افزایش درآمد یا داراییش منجر نشود - برای مثال، کسب‌وکاری که در آن سرمایه‌گذاری کرده است، شکست بخورد - مشکل بدهکاری نیز به دیگر مشکلات وی اضافه خواهد شد. از آنجا که کسب و کارهای خردی که از طریق این برنامه‌ها ایجاد می‌شوند، اغلب محدود به مشاغل خانوادگی کم‌بازده، نیمه‌وقت و موقتی است، احتمال شکست سرمایه‌گذاری در آنها نیز زیاد است (شاو^۱، ۲۰۰۴). همچنین شایان توجه است که تأمین مالی خرد، متکی بر ضمانت‌های اجتماعی است. فشار اجتماعی وام‌گیرندگان را ناچار می‌کند که به هر نحوی وام خود را بازپرداخت کنند. گاهی دیده شده است که مشتریان برنامه‌ها، برای بازپرداخت وام از منابع غیررسمی وام گرفته‌اند، مصرف خود را کاهش داده‌اند، یا حتی لوازم زندگی خود را فروخته‌اند (رحمان، ۱۹۹۹). بدین ترتیب، در مواردی برنامه‌ها به وخیم‌تر شدن وضعیت فقرا منجر شده است.

نحوه کنترل بر مصرف وام نیز بر کاهش اثربخشی برنامه‌های تأمین مالی خرد در توانمندسازی زنان یا حتی افزایش خشونت علیه آنان تأثیر می‌گذارد. گوتز^۲ و سن‌گوپتا^۳ (۱۹۹۴) از سه سناریو برای توضیح نحوه تأثیر منفی اعتبار بر توانمندسازی زنان استفاده کرده‌اند. اولاً، ممکن است مردان در قبال استفاده از وام، مسئولیت بازپرداخت وام را بر عهده گیرند. با وجود آنکه این شرایط در ظاهر رضایت‌بخش است، ولی این موضوع با اهداف توسعه‌ای برنامه مخالف است و به توانمندسازی زنان منجر نمی‌شود. در وضعیت دوم، مردان وام را برای مصارف مورد نیاز خود به کار می‌برند، اما قادر به بازپرداخت آن نیستند. بدین ترتیب، زنان مجبورند با صرفه‌جویی و استفاده از پس‌اندازهای خود، وام را بازپرداخت کنند. در این وضعیت، آنها مسئول بازپرداخت وام خواهند بود، اما بر نحوه مصرف آن کنترل ندارند. وضعیت سوم، زمانی است که مردان نه تنها از بازپرداخت وام خودداری می‌کنند، بلکه با زنان، با خشونت نیز رفتار می‌کنند.

1 Shaw
2 Geotz
3 Sen Gupta

در مجموع، به لحاظ نظری تأمین مالی خرد می‌تواند از طریق ایجاد فرصت برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های فیزیکی، مالی، و انسانی، زمینه افزایش درآمد و دارایی‌های شرکت‌کنندگان را فراهم آورد و در نتیجه موجب بهبود معیشت خانوارها شود. تأمین مالی خرد علاوه بر افزایش درآمد و دارایی، می‌تواند صرف سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای خرد شود و به تنوع‌بخشی منابع درآمدی منجر گردد. همچنین از آنجا که درآمد، دارایی، و تنوع منابع درآمدی، شرکت‌کنندگان را در برابر موقعیت‌های دشوار تقویت می‌کند، موجب کاهش آسیب‌پذیری آنها نیز می‌شود. تأمین مالی خرد می‌تواند با افزایش دارایی‌ها و قابلیت‌های زنان شرکت‌کننده، فرصت مشارکت و تصمیم‌گیری درباره مسائل زندگی و قدرت تأثیرگذاری بر محیط اطراف‌شان را فراهم کند؛ یعنی موجب توانمندسازی آنان شود. اما همان‌طور که گفته شد، در عمل، برنامه‌های تأمین مالی خرد در هر شرایطی کارآمد نیستند، به‌طوری که حتی می‌توانند نتایج نامطلوبی پدید آورند. بنابراین، اثربخشی آنها از کشوری به کشور دیگر و از برنامه‌ای به برنامه دیگر متفاوت است. چنین اختلافی، ارزیابی اثربخشی برنامه‌های تأمین مالی خرد را ضروری می‌سازد.

مهمترین هدف مطالعات ارزیابی اثربخشی، شناسایی آثار علی اجرای برنامه‌های تأمین مالی خرد در سطوح مختلف به‌منظور تشخیص میزان توفیق برنامه‌ها در رسیدن به اهدافشان است. برای مثال در سطح خرد، که موضوع اصلی ما نیز هست، مطالعات ارزیابی اثربخشی به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستند که برنامه‌های تأمین مالی خرد، چه نتایجی برای شرکت‌کنندگان خود، از منظر کاهش فقر و آسیب‌پذیری و توانمندسازی زنان داشته‌اند. همچنین مطالعات مذکور، با شناسایی و توضیح فرایندهای تغییرات، امکان اصلاح رویه‌ها و بهبود عملکرد برنامه‌ها را فراهم می‌کند (۱). در بخش‌های بعدی تلاش می‌شود با ارزیابی اثربخشی دو برنامه اجرا شده در ایران، علاوه بر شناسایی آثار علی فعالیت‌ها، مزایا و کاستی‌های آنها در بستر اقتصادی و اجتماعی کشور بررسی شود.

روش مطالعه

در تحقیق حاضر، دو برنامه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و طرح پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا ارزیابی شده است. به‌منظور ارزیابی اثربخشی برنامه‌های یادشده، ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است. داده‌ها به‌صورت مقطعی گردآوری شده‌اند و مقایسه مشتریان جدید و

ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد ...

مشتریان قدیمی تر برای نسبت دادن تغییرات به مداخله مورد توجه قرار گرفته است (۲). ابزارهای گردآوری اطلاعات، پرسشنامه، بحث گروهی متمرکز، مصاحبه، و مشاهده میدانی بوده است. فرد شرکت کننده در طرح‌ها، واحد مشاهده و خانوار و فرد شرکت کننده، واحد تحلیل محسوب می‌شوند. به منظور تحلیل داده‌های کمی، از تکنیک تحلیل واریانس یک طرفه، ضریب همبستگی پیرسون، و جداول توافقی استفاده شده است. یافته‌های کیفی برای تقویت نتایج تحلیل‌های کمی و نیز کسب اطلاعات جزئی تر و شناسایی فرایندهای تغییر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این تحقیق، مشاهده میدانی، فرصت ارزیابی عینی از موقعیت برنامه‌ها را نیز فراهم کرده است.

صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی از سال ۱۳۷۹ تاکنون، در دستور کار دفتر زنان روستایی و عشایر وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفته است. در زمان انجام این مطالعه، ۳۵۰ صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی که بر مبنای الگوی پس‌انداز و وام‌دهی گروهی (۳) طراحی شده بودند، در ۲۵ استان کشور وجود داشت. گرچه در زمان انجام این مطالعه، برنامه دوم، یعنی طرح پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا مرحله آزمایشی خود را سپری می‌کرد (۴)، اما مورد توجه قرار داشت؛ به طوری که این الگو در چند منطقه دیگر نیز در حال اجرا بود. چند سازمان دولتی نیز به استفاده از این الگو تمایل نشان داده بودند. هدف این طرح، ایجاد مؤسسات خودگردان محلی، با مالکیت اعضا، به عنوان واسطه مالی بود، تا شرایط ایجاد بانکداری پیوندی را در ایران فراهم کند (۵).

همان‌طور که گفته شد، طرح صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، برنامه‌ای دولتی به شمار می‌آمد، در حالی که برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا با همکاری سازمان‌های غیردولتی، بانک کشاورزی، و ایفاد، به عنوان یک سازمان بین‌المللی و اجرا می‌شد. دو برنامه یادشده، تفاوت‌های دیگری نیز یا هم داشتند. اولاً، گروه هدف برنامه اول، زنان روستایی بودند. در مقابل، گرچه برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا به زنان در کنار جوانان اولویت می‌داد، اما مردان نیز می‌توانستند در این طرح شرکت کنند. دوم، در برنامه اول مهمترین هدف، توانمندسازی زنان روستایی بود؛ در حالی که برنامه دوم بیشتر بر ایجاد اشتغال، درآمدزایی، و کاهش فقر تأکید داشت.

در مطالعه حاضر، آثار و نتایج شرکت خانوارهای فقیر و آسیب‌پذیر در دو برنامه مذکور، به ترتیب در شهرستان‌های سلماس و سنندج بررسی شده است. بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵، در هر یک از روستاهای صدقیان و برگشاد از توابع شهرستان سلماس، دو صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی

ایجاد شده بود که در زمان مطالعه، صد و چهل و پنج نفر عضو داشتند. در روستاهای شهرستان سنندج، در مرحله اول اجرای طرح پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا، دویست و نوزده نفر از سه روستای تخته، کانی‌مشکان و پتلیدر و در مرحله دوم نیز چهارصد و بیست و یک نفر در روستاهای تخته، کانی‌مشکان، کیلانه، دولت‌آباد و کره‌سی در طرح شرکت کرده بودند.

در مطالعه موردی اول، یعنی ارزیابی اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در روستاهای صدقیان و برگشاد، به دلیل تعداد کم شرکت‌کنندگان (۱۴۵ نفر)، تمام‌شماری انجام شد. البته در روستای برگشاد، شش نفر و در روستای صدقیان، یک نفر از پاسخگویی به سؤالات امتناع کردند. در مطالعه موردی دوم، یعنی بررسی گروه‌های همبسته در روستاهای شهرستان سنندج، به‌طور تصادفی ۸۱ پرسشنامه تکمیل شد، در واقع، به ترتیب ۳۵ و ۴۶ پرسشنامه به شرکت‌کنندگان مراحل اول و دوم طرح اختصاص یافت. در مجموع، پنج جلسه بحث گروهی متمرکز (از برنامه اول، سه جلسه و از برنامه دوم، دو جلسه) تشکیل شد. همچنین، با سه نفر از افراد کلیدی در روستاهای شهرستان سنندج، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته انجام شد.

شاخص‌های مورد استفاده برای ارزیابی، به سه بخش ابعاد مادی فقر، آسیب‌پذیری، و توانمندسازی زنان تقسیم شدند. این شاخص‌ها اعتبار خود را از مطالعات پیشین به‌دست آورده بودند. در جدول (۱) هر یک از این شاخص‌ها و نحوه محاسبه آنها بیان شده است.

شایان ذکر است که مطالعه حاضر، بیشتر به بررسی آثار طرح‌های یادشده بر توانمندسازی اقتصادی زنان توجه داشته است. بدین ترتیب، از چهار متغیر درآمد شرکت‌کننده، پس‌انداز شرکت‌کننده، کنترل بر پس‌انداز، و مشارکت در تصمیم‌گیری استفاده شده که همگی در سطح اسمی اندازه‌گیری شده‌اند. این متغیرها که اعتبار خود را از مطالعات پیشین می‌گیرند، در جدول (۱) معرفی شده‌اند. در مورد سایر ابعاد توانمندسازی، بیشتر به یافته‌های کیفی تکیه شده است. در ضمن، یافته‌های کیفی نیز به افزایش قابلیت اعتماد داده‌های کمی کمک کردند.

ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد ...

جدول (۱): متغیرهای وابسته تحقیق و مؤلفه‌های کمی آنها

| متغیر | مؤلفه | تعریف عملیاتی | سطح سنجش | واحد تحلیل | آزمون مورد استفاده |
|-------------|------------------------------|--|----------|------------|---------------------------------|
| ۱۹ | سرانه درآمد خانوار | سرانه درآمد خانوار عبارت است از تقسیم درآمد خانوار از منابع متعدد در یک سال بر تعداد افراد خانوار | فاصله‌ای | خانوار | تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون F |
| | سرانه هزینه خانوار | سرانه هزینه خوراک خانوار برابر با هزینه خوراک خانوار در یک ماه تقسیم بر تعداد اعضای خانوار | فاصله‌ای | خانوار | تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون F |
| | سرانه هزینه پوشاک | از تقسیم هزینه پوشاک خانوار در یک سال بر تعداد اعضای خانوار بدست می‌آید. | فاصله‌ای | خانوار | تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون F |
| | ارزش دارایی قابل فروش خانوار | منظور از این متغیر، ارزش دارایی‌های ثابت مانند خانه، زمین، خودرو و... است که به سرعت می‌تواند به پول نقد تبدیل شوند. | فاصله‌ای | خانوار | تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون F |
| ۲۰ | تنوع درآمدی | با تعداد منابع درآمدی خانوار برابر است. | فاصله‌ای | خانوار | تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون F |
| | پس‌انداز خانوار | به‌عنوان یک دارایی مالی عبارت است از اینکه خانوار پاسخگو پس‌انداز دارد یا ندارد. | اسمی | خانوار | V کرامر، فی |
| | سرانه درآمد خانوار | سرانه درآمد خانوار عبارت است از تقسیم درآمد خانوار از منابع متعدد در یک سال بر تعداد افراد خانوار | فاصله‌ای | خانوار | تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون F |
| توانمندسازی | پس‌انداز فرد | فرد پاسخگو پس‌انداز دارد یا ندارد. | اسمی | فرد | V کرامر، فی |
| | درآمد فرد | فرد پاسخگو درآمد دارد یا ندارد. | اسمی | فرد | V کرامر، فی |
| | کنترل بر پس-انداز | فرد پاسخگو در بر نحوه مصرف پس‌انداز خود نظارت دارد یا ندارد. | اسمی | فرد | V کرامر، فی |
| | تصمیم‌گیری در خانوار | پاسخگو در مورد خرید دارایی‌هایی مانند زمین، خانه و مانند آنها دخالت دارد یا ندارد. | اسمی | فرد | V کرامر، فی |

منبع: یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق

قبل از بیان یافته‌های مطالعه در مورد مصرف، درآمد و دارایی، آسیب‌پذیری، و توانمندسازی، اطلاعات توصیفی درباره نمونه‌های مورد بررسی داده می‌شود. در نمونه مورد بررسی، اکثر شرکت‌کنندگان در صندوق اعتبارات خرد، زنان روستایی همسر سرپرست خانوار بودند (یعنی ۶۳/۶ درصد). پس از آن فرزندان سرپرست خانوار با ۲۵/۶ درصد، در مکان دوم قرار داشتند. در حالی که، شغل اصلی سرپرست خانوار بیشتر کشاورزی بود، اکثر شرکت‌کنندگان کارگر بدون دستمزد (۲۵/۶ درصد) و بیکار (۲۳/۳ درصد) بودند. میانگین بار تکفل در نمونه مورد بررسی، برابر با ۰/۴ برآورده شد. اکثر خانوارها چهار نفر عضو داشتند. میانگین سن و میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان در مطالعه نیز به ترتیب ۳۵/۱ و ۵/۷ سال بود، در حالی که افراد بی‌سواد، بیشترین فراوانی را داشتند.

اکثر شرکت‌کنندگان در برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا را نیز زنان تشکیل می‌دادند (۶۱/۷ درصد)، زیرا یکی از اولویت‌های برنامه، انتخاب زنان به‌عنوان مشتری بود. اکثر سرپرست‌های خانوار، کشاورز یا کارگر بودند. شرکت‌کنندگان به ترتیب کارگر بدون مزد (۲۹/۶ درصد)، کارگر (۲۳/۵ درصد)، کشاورز (۱۶ درصد)، و بیکار (۱۴/۸ درصد) بودند. میانگین بعد خانوار در این نمونه، ۴/۷ نفر بود، همچنین خانوارهای چهارنفره، بیشترین فراوانی را داشتند. میانگین تحصیلات ۴/۱ و میانگین سن سی‌وسه سال برآورد شد. افراد بیست‌وپنج ساله، بیشترین فراوانی را داشتند. در خصوص تحصیلات نیز بیشترین فراوانی به پنج سال تحصیل اختصاص داشت.

*** درآمد، دارایی و مصرف**

یافته‌های تحلیل‌های کمی، بیانگر تفاوت میان شاخص‌های درآمد، دارایی ثابت، و هزینه خوراک و پوشاک خانوارهای شرکت‌کننده و گروه شاهد (شرکت‌کنندگان جدید) نبود. میزان وام صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، بسیار کمتر از اعتبار لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکاری بود که درآمد بسیار زیادی را در مقایسه با درآمد خانوار ایجاد کند یا موجب افزایش دارایی‌های ثابت یا مصرف خانوار شود. برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستایی نیز در محیطی اجرا شده که به ندرت قابلیت راه‌اندازی کسب‌وکارهای سودآور و کم‌مخاطره را فراهم می‌کند. یافته‌های کیفی حاصل از مطالعه این برنامه، بیانگر افزایش دارایی‌های ثابت برخی خانوارهای شرکت‌کننده، به‌ویژه مشتریان جدید بود. این خانوارها اغلب با استفاده از منابع مالی و اعتباری دیگری که در اختیار داشتند، در دارایی‌های مانند زمین و خانه سرمایه‌گذاری کرده بودند.

یافته‌های کیفی نشان می‌دهند که در شروع اجرای طرح، شرکت‌کنندگان در برنامه، با تصور آنکه وام‌ها بلاعوض یا بدون بهره هستند، آنها را برای مصارف جاری استفاده کردند، در حالی که در مراحل بعدی، تجربه اجراکنندگان و شرکت‌کنندگان در برنامه آنها را به سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مولد و ثابت سوق داده است. در نتیجه، وقتی دو گروه با هم مقایسه می‌شوند، تحلیل‌های کمی اطلاعات زیادی به ما نمی‌دهند. در مجموع، شرکت در برنامه زمانی به بهبود معیشت خانوار شرکت‌کننده منجر شده است که میزان وام حداقل بیش از سقف اعطای وام در صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی بوده و شرکت‌کنندگان امکان سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت را داشتند.

ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد ...

* آسیب‌پذیری

گرچه نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داده که میزان پس‌انداز خانوار و ارزش‌داری‌های ثابت خانوار با شرکت در برنامه‌ها تغییری نکرده، اما شرکت در هر دو برنامه، موجب تنوع درآمدی شده بود. مشتریان جدید برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا، به‌طور میانگین ۱/۶۲ منبع و مشتریانی که چهار سال از اخذ وام آنها گذشته بود، به‌طور میانگین ۲/۵۷ منبع درآمدی داشته‌اند. این اختلاف در سطح معنی‌داری ۰/۹۹ تأیید شده است. در برنامه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، مشتریان سال اول ۱/۸۴ منبع درآمدی و مشتریان سال چهارم، ۳/۷۵ منبع درآمدی داشتند. این اختلاف نیز در سطح ۰/۹۹ تأیید شد.

در هر دو برنامه، حدود ۵۰ درصد موارد وام‌ها، صرف سرمایه‌گذاری در امور کشاورزی و خرید دام شده بودند. تکانه‌هایی مانند از بین رفتن محصول و تلف شدن دام، به ترتیب ۳۲/۶ و ۲۱/۷ درصد خانوارهای شرکت‌کننده در برنامه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و ۳۲ و ۲۰/۷ درصد خانوارهای شرکت‌کننده در برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا را طی دو سال گذشته با مشکل مواجه کرده بود.

یافته‌های کیفی نشان می‌دهند که اختلاف در میزان وام و الگوهای اجرای برنامه‌ها موجب شده است که هر یک از برنامه‌ها در برخورد با تکانه‌ها، آثار متفاوتی را بر آسیب‌پذیری خانوارها داشته باشد. در برنامه اول، وام‌ها کوچک‌تر از آن بوده‌اند که بازپرداخت آن، خانوار را با مشکل مواجه کند. همچنین، از آنجا که اعضا، صندوق‌ها را اداره می‌کردند و اعضای صندوق به خوبی یکدیگر را می‌شناختند، در مواردی که افراد با مشکل مواجه شده بودند، سایر اعضا برای فرد وام‌گیرنده، فرصت بیشتری برای بازپرداخت وام فراهم کرده بودند. همچنین بازپرداخت ماهیانه وام موجب شده بود زنان به راحتی اقساط وام خود را بازپرداخت کنند. اما در برنامه دوم، میزان وام شش تا نه میلیون ریال و بازپرداخت آن نیز به‌صورت اقساط سالانه در نظر گرفته شده بود. قوانین بازپرداخت نیز انعطاف‌پذیر نبودند. در چنین شرایطی، ظرفیت پایین شرکت‌کنندگان از نظر سرمایه انسانی و ظرفیت پایین محیط زندگی آنها نیز سبب شده بود که اغلب آنها نتوانند از اعتبار به خوبی بهره ببرند. از این‌رو، در زمان بازپرداخت وام با مشکل مواجه شدند. برخی از آنان به ناچار برای بازپرداخت وام دوباره قرض گرفته

بودند. بعضی از آنها از پس انداز خود استفاده کرد بودند. بعضی از آنها نیز، با وجود جریمه دیرکرد، وام خود را بازپرداخت نکرده بودند.

** توانمندسازی زنان*

با وجود آنکه ۷۲ درصد زنان در نمونه مورد بررسی در روستاهای سندج بیان کردند که به نحوی در مصرف وام مشارکت دارند، شواهد کیفی نشان داد که در مواردی، زنان وام را در اختیار شوهر یا پدرشان قرار داده بودند. بنابراین، چندان عجیب نیست که در همه شاخص‌های مورد بررسی درباره توانمندسازی زنان، تفاوت معنی‌داری میان شرکت‌کنندگان و گروه شاهد دیده نشد. به عبارت دیگر، هر چند برنامه زنان را به‌عنوان گروه هدف خود انتخاب کرده بود، اما آنان بر وام کنترل نداشته‌اند و در نتیجه، در فرایند توانمندسازی نیز قرار نگرفته بودند.

در عوض، بر اساس یافته‌های کمی و کیفی، زنان شرکت‌کننده در صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی سلماس بر مصرف وام کنترل داشتند. شرکت در برنامه، موجب ایجاد درآمد و پس انداز زنان شرکت‌کننده شده بود. بکارگیری آماره‌های فی و ۷ کرامر نشان دادند که سال اخذ وام و داشتن درآمد با شدت ۰/۳۹۵، در سطح ۹۵ درصد اطمینان پیوسته‌اند. به عبارت دیگر، هر چه زمان شرکت در برنامه و اخذ وام بیشتر بوده، احتمال برخورداری زنان از درآمد نیز بیشتر بوده است. شدت این پیوستگی ضعیف بود، اما این موضوع، در ارتقای موقعیت زنان در خانواده و توانمندسازی آنها گام مهمی محسوب می‌شد. همچنین، ۳۷/۵٪ از شرکت‌کنندگان جدید و ۱۲/۸٪ از شرکت‌کنندگان با یک سال سابقه اخذ وام بیان کرده‌اند که صاحب پس انداز شخصی هستند؛ این رقم برای شرکت‌کنندگان با سابقه چهار و پنج سال مشارکت به ترتیب ۶۶/۷٪ و ۵۰٪ بود. آماره‌های فی و ۷ کرامر با میزان شدت ۰/۴۰۲ و سطح معنی‌داری ۰/۹۹، پیوستگی میان سابقه شرکت در برنامه و داشتن پس انداز را تأیید کرده‌اند. در مورد کنترل بر پس انداز و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز میان شرکت‌کنندگان در سال‌های مختلف برنامه تفاوتی دیده نشد. گرچه داده‌های کمی درباره سایر ابعاد توانمندسازی موجود نبود، اما یافته‌های کیفی نشان دادند که شرکت در برنامه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی موجب تحرک زنان، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری در اجتماع و افزایش اعتماد به نفس آنان شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در حالی که نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد که هیچ یک از برنامه‌ها در شاخص‌های سرانه درآمد، هزینه خوراک، هزینه پوشاک و مسکن، و دارایی‌های ثابت تأثیر نداشته‌اند، یافته‌های کیفی بیانگر شواهدی از افزایش دارایی‌های ثابت در برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا است. هر دو برنامه با تنوع‌بخشی درآمدی موجب کاهش آسیب‌پذیری خانوارهای شرکت‌کننده شده‌اند. اما، میزان وام‌ها و سازوکارهای اجرای برنامه موجب شده است که برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا، در مواردی موجب افزایش آسیب‌پذیری خانوارهای شرکت‌کننده شود. بازپرداخت وام در اقساط سالانه، ظرفیت کم افراد و منطقه برای سرمایه‌گذاری مولد، مخاطره‌آمیز بودن زمینه‌های سرمایه‌گذاری موجود، و اندازه وام مهمترین دلایل افزایش آسیب‌پذیری خانوارها بوده‌اند. در هیچ یک از شاخص‌های مورد بررسی، برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا بر توانمندسازی زنان تأثیر نگذاشته است که این موضوع می‌تواند ناشی از تسلط مردان در تصمیم‌گیری درباره مصرف وام‌ها باشد. در مقابل، شرکت در صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، موجب افزایش درآمد و پس‌انداز زنان روستایی شده که بر وام و نحوه مصرف آن کنترل داشته‌اند.

در برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا تلاش شده است تا دسترسی اقشار آسیب‌پذیر روستایی به بانک کشاورزی به‌عنوان یک بانک تجاری تسهیل شود. در این راه، از مشارکت سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی نیز سود برده شده است و همکاری دولت و سازمان‌های غیردولتی در این طرح شایان توجه است. طرح صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی را دولت راه‌اندازی کرده و گسترش آن، به شدت به میزان علاقه و توجه کارمندان بستگی دارد که آن را اجرا می‌کنند. طی اجرای برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد، بخش عمومی با ارائه وام‌های بدون بهره و کم‌بهره، به این برنامه‌ها لطمه زده است. همچنین، بخش عمومی با بخشش بدهی‌ها و دیرکرد وام‌ها موجب شده است که نهاد بازپرداخت وام آسیب ببیند. بسیاری از مشتریان این برنامه امیدوار بودند که بدهی آنها به بانک بخشیده شود. برنامه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی با این مشکل مواجه نبود، زیرا بر اساس الگوی ارائه شده، وام‌ها به صندوقی باز می‌گردد که متعلق به اعضاست.

در وهله اول به نظر می‌رسد که اگر میزان وام بیشتر باشد، راه‌اندازی کسب‌وکار و تولید درآمد نیز به راحتی میسر خواهد شد. اما راه‌اندازی کسب‌وکار و تولید درآمد، به ظرفیت منطقه و وام‌گیرنده

نیز وابسته است. از این رو، اگر وام گیرنده نتواند از اعتبار به نحوه احسن استفاده کند، نه تنها وضعیت معیشت او بهبود نخواهد یافت، بلکه بدهکار نیز خواهد شد. در این وضعیت، وام بیشتر به معنی بدهکاری بیشتر است. خانوارهای نمونه مورد بررسی در برنامه پشتیبانی از خدمات مالی روستا بیشتر در مناطقی زندگی می کنند که ظرفیت محیط برای راه اندازی کسب و کار پایین است. فرصت های موجود، بیشتر به فعالیت های دامداری و کشاورزی کم بازده و پر مخاطره محدود هستند. این موضوع موجب شده است که برخی از وام گیرندگان آسیب پذیرتر شوند.

مقدار کم وام، مزیت دیگری نیز دارد. اگر میزان وام زیاد باشد، احتمال آنکه زنان بر مصرف آن کنترل نداشته باشند، بیشتر است. بدین ترتیب، تحقق هدف توانمندسازی در مواردی بیشتر احتمال دارد که میزان وام کم باشد. برنامه های مورد بررسی، از دو الگوی متفاوت برای بازپرداخت وام استفاده می کنند. بازپرداخت وام در صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی به طور ماهانه و مستمر است و این صندوق از قوانین انعطاف پذیری بهره می برد که اعضا آن را اجرا می کنند؛ در حالی که بازپرداخت وام در برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا به طور سالانه است و دیرکرد آن نیز محاسبه می شود. در برخی موارد، روش دوم به بدهکاری و فشار بر خانوارهای شرکت کننده منجر شده است.

اعضای صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی به طور مستمر امکان دسترسی به خدمات مالی را دارند، در حالی که گروه های همبسته در بیشتر موارد منحل شده اند. انحلال این گروه ها به بازپرداخت وام لطمه زده است. از طرف دیگر، برنامه ها زمانی به کاهش فقر منجر خواهند شد که به طور مستمر اجرا شوند. البته باید توجه داشت که طراحی برنامه های همبسته، فقط مقدمه ای برای تشکیل گروه های خودیار بود، از این رو، به صورت یک گروه موقت در نظر گرفته شده اند.

نحوه استفاده از وام در بهبود معیشت شرکت کنندگان تأثیر بسیاری داشته است. در برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا، کسانی که با استفاده از این وام و منابع دیگر، در کشاورزی، خرید خانه و زمین کشاورزی سرمایه گذاری کرده اند، در افزایش دارایی های خود موفق بوده اند.

برنامه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی با استفاده از الگویی مبتنی بر شیوه های بومی در ایران و برگزاری دوره های آموزشی، در توانمندسازی زنان شرکت کننده موفق بوده است. اما برنامه پشتیبانی خدمات مالی روستا نتوانسته است زنان را در مسیر توانمندسازی قرار دهد. البته باید توجه داشت که برنامه اعتبارات خرد زنان روستایی، توانمندسازی زنان را به عنوان یکی از اهداف اصلی خود

ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد ...

دنبال می‌کند. ظاهراً در الگوهایی مانند برنامه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی که بیشتر بر روش‌های بومی ایران مبتنی هستند، مبلغ وام کم است و اداره صندوق کاملاً بر عهده اعضاست، هدف توانمندسازی زنان بیشتر تحقق می‌یابد.

یادداشت‌ها

(۱) معمولاً مطالعات ارزیابی اثربخشی علاوه بر شناسایی آثار علی اجرای برنامه، به دنبال پاسخگویی به دو پرسش دیگر نیز هستند: اولاً، برنامه در دسترسی به فقرا تا چه حد موفق بوده است؟ دوم اینکه، نسبت هزینه به فایده برنامه در مقایسه با سایر برنامه‌ها چگونه است؟

(۲) گرچه این روش نسبت به مطالعات طولی از قابلیت اعتماد کمتری برخوردار است، ولی در غیاب گروه شاهد، مناسب‌ترین راه محسوب می‌شود.

(۳) در این روش، در آغاز تشکیل گروه، دفتر امور زنان جهاد کشاورزی، مبلغی را به صورت وام در اختیار صندوق قرار می‌دهد. اعضا موظف هستند این مبلغ را پس از مدت معینی به دفتر بازپرداخت کنند. اعضای صندوق به طور اجباری و ماهیانه مبلغ مورد توافقی را در صندوق پس‌انداز می‌کنند. منابع صندوق به صورت دوره‌ای و با استفاده از سازوکار قرعه‌کشی به صورت وام در اختیار اعضا قرار می‌گیرد. در زمان انجام مطالعه، وام‌ها از پانصد هزار تا پنج میلیون ریال ارزش داشتند. برای تضمین بازپرداخت وام از ضمانت زنجیره‌ای استفاده می‌شود. اقساط وام نیز به طور ماهیانه و طی ده تا دوازده ماه، با نرخ سود هفت تا ده درصد، بازپرداخت می‌شوند. شایان ذکر است که قوانین هر صندوق را اعضای همان صندوق تعیین می‌کنند؛ از این رو، قوانین مذکور ممکن است در صندوق‌های مختلف، یکسان نباشند.

(۴) در زمان گردآوری داده‌های این مطالعه، گروه‌های خودیار در مراحل اولیه تشکیل خود بودند؛ از این رو فقط گروه‌های همبسته ارزیابی شدند.

(۵) به این منظور برنامه‌ای در سه مرحله طراحی شده بود. در مرحله اول و دوم طرح، ۲۱۳ گروه همبسته تشکیل شده بود. این گروه‌ها به عنوان مرحله آغازین راه‌اندازی گروه‌های خودیار یا همان واسطه‌های مالی محلی عمل می‌کردند. گروه‌های همبسته، که هر یک از ۷ الی ۱۵ نفر تشکیل می‌شدند، وام‌محور بودند؛ در حالی که گروه‌های خودیار به شکل پس‌انداز محور طراحی شده بودند. پس از

تشکیل گروه، برگزاری منظم جلسات، پس انداز منظم و تأیید تسهیلات، مجموعه اعضا به عنوان گروه همبسته نزد بانک کشاورزی شناخته می شدند. بانک کشاورزی پس از بررسی طرح ارائه شده هر یک از اعضا، وام مورد نظر را تصویب می کرد. مبلغ وام از شش تا نه میلیون ریال، مدت بازپرداخت آن پنج سال و میزان بهره آن برای سالهای مورد نظر، چهارده درصد (برابر بهره مصوب شورای عالی پول و اعتبار) تعیین شده بود. برای تضمین وام، سازوکار ضمانت زنجیره ای به کار می رفت. از آنجا که بانک کشاورزی، اعتبار این طرح را از منابع داخلی خود تأمین می کرد، طرحهایی مورد قبول قرار می گرفتند که در حوزه مشاغل روستایی قرار داشتند.

منابع

- Barens, Carolyn and Erica Keogh (1999). *An Assessment of the Impact of Zambuko's Micro-Enterprise Program in Zimbabwe: Baseline Finding*, USAID AIMS Project Brief 23. Washington. D. C. USAI.
- Barnes, Carolyn and Jennifer Sebstad (2000). *Guideline for Microfinance Impact Assessments. Discussion Paper for the CGAP 3 Virtual Meeting on Impact Assessment*. Washington DC: AIMS/MSI.
- Coleman, Brett E. (2006). Microfinance in Northeast Thailand: Who Benefits and How Much? *World Development*. Vol. 34. No. 9. pp: 1612-1638.
- Dunn, E. (1999). *Microfinance Clients in Lima. Peru: Baseline Report for AIMS Core Impact Assessment*. Washington DC: AIMS/MSI.
- Geotz, A. M. and R. Sen Gupta (1994). Who Takes the Credit? Gender, Power, and Control over Loan Use in Rural Credit Programs in Bangladesh, *World Development*. Vol. 2, No.1, pp: 45-63.
- Hulme D. & P. Mosley (1996). *Finance against Poverty*. London: Routledge.
- Khandker, Shahidur R. (1998). *Fighting Poverty with Microcredit: Experience in Bangladesh*. New York: Oxford University Press.
- Mayoux, L. (1999). Questioning Virtuous Spirals: Micro-finance and Women's Empowerment in Africa. *Journal of International Development*. Vol. 11. No. 7. pp: 957-984.
- Morduch, Jonathan. (1998). *Does Microfinance Really Help the Poor?: New Evidence from Flagship Programs in Bangladesh. Unpublished Manuscript*. Cambridge. MA: Department of Economics and HIID. Harvard University.
- Park, A. and C. Ren (2001). *Microfinance with Chinese Characteristics*. *World Development*, Vol. 29. No.1. pp: 39-62.
- Pitt, Mark M. and Shaidur R. Khndker (1996). *Household and Intrahousehold Impact of the Grameen Bank and Similar Targeted Credit Programs in Bangladesh*. World Bank Discussion Paper 320. Washington D. C. World Bank.
- Pitt, Mark M.; Sh. R. Khandker, and J. Cartwright (2003). Dose Micro-Credit Empower Women? Evidence from Bangladesh. *World Bank Policy Research Working Paper 2998*. Washington D.C.: World Bank.
- Remenyi, Joe and Benjamin Quinones (2000). *Microfinance and Poverty Alleviation: Case Studies from Asia and Pacific*. New York: Pinte.
- Simanowitz, A. (2001). *A Review of Impact Assessment Tools: Improving the Impact of Microfinance on Poverty*. *IDS. Learning Notes*, No. 2. Brighton. UK: Institute of Development Studies. University of Sussex.
- Zaman, Hassan (2000). *Assessing the Pov Study of BRAC*, Working Paper No. 1.